

منزلت فرزندآوری در عهدین (مطالعه تطبیقی: عهد عتیق و جدید)

اسماعیل ملکوتی خواه^۱

یگانه سادات حسینی دولت‌آبادی^۲

محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی^۳

چکیده

فرزندآوری به عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، تأثیر بسزایی در تحکیم رابطه همسران داشته و دارای ابعاد مختلفی است. یکی از این ابعاد، بررسی اهمیت و جایگاه فرزندآوری است که می‌تواند با رویکردهای مختلفی انجام شود. از جمله این رویکردها، بررسی اهمیت و جایگاه فرزندآوری در متون مقدس ادیان ابراهیمی است. براین اساس، با عنایت به تفکر مبنایی در ساحت عهدین (عهد قدیم و جدید)، مقاله حاضر در راستای بررسی این موضوع برآمده و با روش تحلیلی-توصیفی به نتایجی دست یافته است؛ از جمله اینکه در کنار فواید و تعابیر مشترکی که در باب فرزندآوری در هر دو مشاهده می‌شود، در عهد عتیق، عدم فرزندآوری موجب ننگ برای زن، و در مقابل، فرزندآوری مایه عزت و سربلندی او بیان شده است. همچنین برانگیخته شدن حسادت زنان نازا در مقابل فرزندآوری زنان دیگر و اهمیت به تعدد در فرزندآوری زنان به روشنی دریافت شد. در عهد جدید، وجود قدرت ایمان به خدا در فرزندآوری زنان نازا،

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ e.malakooti@ahl.ui.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد تفسیر آثری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ (نویسنده مسئول)

yshosseyni@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ mj.heydarian@khu.ac.ir

عاملی برای توفیق در فرزندآوری مطرح شده است و دستور مستقیم حضرت عیسی علیه السلام مبنی بر اهمیت به فرزندآوری ملاحظه گردید.
واژگان کلیدی: خانواده، فرزندآوری، عهدین، تورات، انجیل.



مقدمه

مسئله فرزندآوری و اهتمام به نسل، یکی از مهم‌ترین زوایای زندگی بشر است. ازاین‌رو خداوند حبّ فرزند را در ذات انسان نهادینه کرده و در همه ادیان الهی، انسان را به تبع فطرتش به فرزندآوری ترغیب نموده است. همچنین نظر به اینکه بقای نسل و ادامه حیات انسانی و اجتماعی بشر مبتنی بر فرزندآوری است، در همه نظام‌ها، جوامع و ادیان به این مهم سفارش شده است. اما متأسفانه امروزه با مخالفت و سرکشی با فطرت، به دلایل عدیده، از جمله وجود مشکلات اقتصادی، تلاش معاندان ادیان الهی در کم‌رنگ نشان دادن یکی از نقش‌های مهم زن، یعنی مادری و به تبع آن فرزندآوری ملاحظه می‌گردد؛ چراکه کثرت وجود نسل موحد و یکتاپرست، با اهداف شوم آنها ممانعت دارد. ازاین‌رو، امروزه اهمیت ندادن به این نیاز روحی افزایش یافته و با ورود مردم به دوره زندگی مدرن، آشنایی با آموزه‌های غالب این موضوع، مورد تردید بسیاری از خانواده‌ها قرار گرفته است. متأسفانه در میان پیروان ادیان ابراهیمی، از جمله مسلمانان و اهل کتاب نیز این بی‌مهری دیده می‌شود. همچنین از آنجا که فرزندآوری از مهم‌ترین کارکردهای خانواده است که تأثیر بسزایی در تحکیم رابطه همسران دارد، اهمیت پرداختن به این موضوع، دو چندان به نظر می‌رسد. براین اساس، پژوهش حاضر در ابتدا رویکرد عهد عتیق، و سپس در گفتار پسین، رویکرد عهد جدید نسبت به این موضوع را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

۱. فرزندآوری در عهد عتیق

طبق کتاب فراماسوزی و یهود، یکی از مراسم پراهمیت از نظر دین یهود، ازدواج است؛ زیرا تأهل برای ازدیاد نسل و قوم بنی اسرائیل، مهم‌ترین عامل شناخته شده و اجابت آن بر هر یهودی واجب است (طهرانی، ۱۴۲۵، ص ۲۲۰) و فرزندآوری که یکی از کارکردهای مهم آن است در عهد عتیق دیده می‌شود (ارمیا، ۲۹: ۶). در عهد عتیق، دستور مستقیم به فرزندآوری دیده می‌شود (از جمله: پیدایش ۳۵: ۱۱). ازدواج نکردن و نیز بچه‌دار نشدن با وجود

استطاعت مالی و جسمی، در مرام یهود گناه شمرده می‌شود. هر عائله پذیرفته‌اند که باید حداقل چهار فرزند داشته باشند (طهرانی، ۱۴۲۵، ص ۲۲۱).

فرزندآوری‌های عدیده و کثرت تولد فرزندان در خانواده که از متن عهد عتیق، به ویژه در فصل پیدایش دریافت می‌شود، نشان می‌دهد که داشتن فرزند و حفظ و بقای نسل برای یک زوج متأهل از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. همچنین می‌توان چنین استنباط کرد که هدف اصلی ازدواج، فرزندآوری است. فرزندآوری به عنوان افتخار یک فرد و پاداشی از جانب خداوند به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد فرزندآوری با توجه به اولین فرمان انجام می‌شود: «بارور و زیاد شوید» (پیدایش ۱: ۲۸ و ۹: ۷). کتاب مقدس، روند بارداری را به تفصیل شرح نمی‌دهد و همچنین نگرش شوهر یا خانواده نزدیک را نسبت به زن باردار بیان نمی‌کند.

۱-۱. تعابیر ناظر به نسبت فرزندآوری و فرزندان با خدا

۱-۱-۱. فرزندآوری؛ دستور صریح الهی

در برخی از آیات فصل پیدایش، دستور مستقیم خداوند مبنی بر فرزندآوری دیده می‌شود (از جمله: پیدایش ۹: ۷ و ۱۱: ۳۵). همچنین آیات دیگری نیز وجود دارند که امر صریح به فرزندآوری با برکتی از جانب خدا، «یهوه»، درآمیخته است که در ادامه بیان می‌شود.

۱-۱-۲. فرزندآوری و کثرت نسل؛ وعده الهی

کثرت نسل به عنوان وعده الهی، در متن عهد عتیق بیان شده است؛ از جمله: «در میان شما، سقط جنین و نازایی وجود نخواهد داشت. او به شما عمر طولانی خواهد بخشید» (خروج ۲۳: ۲۶) و «این قوم‌ها را به تدریج از آنجا بیرون می‌کنم تا کم‌کم جمعیت شما زیاد شود و تمام زمین را پر کنند» (خروج ۲۳: ۳۰).

البته بیشتر این وعده‌ها، به طور خاص مربوط به ابراهیم علیه السلام است. خداوند به ابراهیم علیه السلام وعده کثرت نسل و ذریه داده که آن برکتی از جانب خدا مطرح، و عاملی در

بزرگ نمودن نام و آیین او بیان شده است. واضح است که کثرت نسل، نتیجه تعدد فرزندآوری در جامعه است. به عنوان نمونه: «و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو مایه برکت خواهی بود» (پیدایش ۱۲: ۲). در قسمت های دیگر این کتاب، این وعده، دگر بار دیده می شود؛ مانند «خدا نسل ابراهیم را افزایش خواهد داد (پیدایش ۱۵: ۵؛ ۲۲: ۱۷ و ۴: ۲۶) و تحقق این وعده (خروج ۳۲: ۱۳ و تثنیه ۱۰: ۱۰؛ ۲۲: ۵ و ۲: ۵) دیده می شود. این تحقق وعده، در کلام یوشع نبی نیز آمده که فرزندآوری و کثرت نسل در بنی اسرائیل را عطا و لطف الهی بیان کرده است (یوشع، ۲۴: ۳-۴).

۳-۱-۱. فرزندآوری و کثرت نسل؛ احسان الهی

در برخی آیات کتاب پیدایش، به کثرت نسل و ذریه اشاره کرده است که مطلوبیت تعدد فرزند و کثرت نسل دریافت می شود؛ زیرا در اکثر موارد، انتساب کثرت نسل به خدا می باشد. به عنوان نمونه، مواردی بیان می شود:

- و تو (خدا) گفתי هر آینه با تو (یعقوب) احسان کنم و ذریت تو را مانند ریگ دریا سازم که از کثرت، آن را نتوان شمرد (پیدایش ۳۲: ۱۲) که در این آیه، کثرت ذریه، از مصادیق احسان الهی مطرح شده است.

- و ذریت تو (ابرام) را مانند غبار زمین گردانم؛ چنان که اگر کسی غبار زمین را تواند شمرد، ذریت تو نیز شمرده شود (پیدایش ۱۳: ۱۶).

- و او (ابرام) را بیرون آورد و گفت: «اکنون به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هرگاه آنها را توانی شمرد.» پس به وی گفت: «ذُریت تو چنین خواهد بود» (پیدایش ۱۵: ۵).

- و عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست، و تو را بسیار بسیار کثیر خواهم گردانید (پیدایش ۱۷: ۲).

- اما اینک عهد من با توست و تو پدر اُمّت های بسیار خواهی بود. و نام تو بعد از این ابرام خوانده نشود، بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود؛ زیرا که تو را پدر امت های بسیار گردانیدم (پیدایش ۱۷: ۴-۶).

۴-۱-۱. فرزندآوری؛ تدبیر و خلقت الهی

در فرایند پیچیده فرزندآوری و مراحل مختلف آن، از جمله شکل‌گیری اعضای بدن در دوران جنینی و دیگر مراحل آن، دست تدبیر الهی دیده می‌شود که این تدبیر و خلقت اعجاز‌آمیز، در آیاتی از متن عهد عتیق نیز بیان شده است. به ویژه در داستان‌های زن نازا می‌توان تدبیر و اراده الهی را در فرزندآوری همسر عقیم به خوبی دریافت؛ مانند «پس خدا راحیل را به یاد آورد، و دعای او را اجابت فرمود، خدا رحم او را گشود» (پیدایش، ۳۰: ۲۲). گاهی با یادآوری حفظ و نگهداری فرزند داخل رحم مادر و فرایند فرزندآوری، حمد الهی بر زبان جاری گشته است؛ زیرا این فرایند، نمودی از تدبیر الهی و شگفت‌انگیز است (مزامیر، ۲۲: ۹-۱۰ و ۷۱: ۶). همچنین به عنوان نمونه، متن آیاتی در این باره در ذیل آمده است: «تو مرا در رحم مادرم نقش بستی و مرا به وجود آوردی. تو را شکر می‌کنم که مرا این چنین شگفت‌انگیز آفریده‌ای! با تمام وجود دریافته‌ام که کارهای تو عظیم و شگفت‌انگیز است. وقتی استخوان‌هایم در رحم مادرم به دقت شکل می‌گرفت و من در نهان نمو می‌کردم، تو از وجود من آگاه بودی. بلی! حتی پیش از آنکه من به وجود بیایم تو مرا دیده بودی. پیش از آنکه روزهای زندگی من آغاز شود، تو همه آنها را در دفتر خود ثبت کرده بودی» (مزامیر، ۱۳۹: ۱۳-۱۶).

۲-۱. فواید فرزندآوری

در تورات، شش فایده فردی و جمعی در خصوص فرزندآوری ارائه شده است که عبارت‌اند از:

۱-۲-۱. فرزندان؛ وارث والدین

فرزندان، وارث عقاید و اخلاقیات والدین خویش می‌باشند. همچنین ایشان ادامه‌دهنده راه و آیین پدران خویش هستند. فرزندان مطلوب، فرزندان مطیع اوامر الهی‌اند که اکثراً دارای والدین مطیع بوده‌اند: «پس (ساره) به ابراهیم گفت: «این کنیز

(هاجر) را با پسرش (اسماعیل) بیرون کن؛ زیرا که پسر کنیز با پسر من، اسحاق، وارث نخواهد بود» (پیدایش ۲۱:۱۰). البته که خداوند، اسماعیل را نیز فرزند و نسل ابراهیم دانسته و بشارت کثرت را نسل برای او داده است» (پیدایش ۲۱:۱۳). «در آنجا، لباس های کاهنی را از تن هارون درآور و به پسرش، العازار بپوشان. هارون در همانجا خواهد مرد و به اجداد خود خواهد پیوست» (اعداد ۲۰:۲۶).

فرزندان پسر و دختر، طبق قانونی، وارث اموال پدر و محافظ آن خواهند بود که این مطلب چنین بیان شده است: «صُلَفحاد، که از طایفه منسی بود، پسر نداشت. در نتیجه، آن میراث به پنج دخترش رسید. خدا به موسی فرموده بود این حق را برای زنان قائل باشد» (اعداد، ۱:۲۷-۱۱) (ر.ک: آرتور، ۲۰۰۵، ص ۲۶۷-۲۶۸).

البته نقش مؤثر فرزند صالح در حفظ اموال موروثی پدر بیان شده است. به همین دلیل، در تقسیم ارث، تفاوتی قائل گشته است؛ زیرا او را نسبت به بقیه امین تر می دانند. آنگاه که یعقوب به فرزندش، یوسف، چنین می گوید: «و من به تو حصه ای زیاده از برادرانت می دهم که آن را از دست اموریان به شمشیر و کمان خود گرفتم» (پیدایش ۴۸:۲۲).

۲-۲-۱. فرزندان؛ عامل زنده نگه داشتن نام والدین

در کتاب روت، بوعز فرزند را وارث پدر و سبب زنده نگه داشتن نام او می داند (روت ۴:۵ و ۱۰). همچنین با بیان جانشینی «رحبعام» فرزند «سلیمان» بعد از فوت او، فرزند عاملی در زنده نگه داشتن نام و راه پدر مطرح شده است (اول پادشاهان، ۱۴:۴۳ و ۱۵:۳-۴) که می تواند یکی از دلایل اهمیت به فرزندآوری باشد.

اهمیت این موضوع وقتی بیشتر مطرح می گردد که قانون ازدواج برادرشوهر مجرد با بیوه برادر متوفی دیده می شود (تثنیه ۲۵:۵-۱۰): «این قانون بر این مبنا بود که وقتی کسی بدون اینکه صاحب فرزندی باشد از دنیا می رفت، برادرش با بیوه او ازدواج می کرد تا نسلی از برادرش باقی بگذارد. این قانون ازدواج در اسرائیل اجباری نبود. اما این ازدواج در میان برادرانی که صاحب املاک مشترک بودند گزینه ای قوی بود. بدیهی است که

برادر باید مجرد باشد تا بتواند با بیوه برادرش ازدواج کند»^۱ (لاویان ۱۶:۱۸ و ۲۰:۲۱). «همچنین باید رضایت می داشت که با واگذاری ملک و دارایی اش به آن پسر، به حفظ اموال خانواده کمک نماید. هرچند این قانون اجباری نبود، اما بازتابی از محبت برادرانه بود. اگر برادر مجرد، از این ازدواج سر باز می زد، با مشایخ روبه رو می شد و باید حقارت و سرافکنندگی را تحمل می کرد. زنده نگاه داشتن نام برادر، که عضوی از قوم خدا بود که با ایشان عهد بسته بود، بر جوانمردی و بزرگ منشی آن شخص شهادت می داد» (آرتور، ۲۰۰۵، ص ۳۱۰-۳۱۱). این کار، در زنده نگه داشتن نام برادر رحلت یافته بسیار مهم بوده است.

۳-۲-۱. فرزندان؛ آبادکننده خانه

در یهودیت، بازی بر روی کلماتی مانند «بانیم» (فرزندان) و «بونیم» (سازندگان یا آبادکنندگان)، این نظر اظهار شده است که فرزندان انسان، خانه او را آباد می کنند (بوجاری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴).

۴-۲-۱. برخورداری از حمایت‌ها و یاری فرزندان و نوادگان

از دیگر فواید فرزندآوری، برخورداری از حمایت‌های مادی و معنوی فرزندان است. در ایوب (۴:۲۹-۵)، بهره‌مندی از یاری فرزندان، لطف و محبت الهی به ایشان بیان شده است که این انتساب به خدا اهمیت فرزندآوری را نشان می دهد.

به عنوان نمونه، حمایت‌های یوسف علیه السلام از پدرش یعقوب علیه السلام و خانواده او را می توان بیان کرد (پیدایش، ۴۷:۲۹-۳۰). در خروج (۲:۱۶)، بهره‌مندی شعیب نبی علیه السلام از حمایت‌های دختران وی مطرح است. در دوم سموئیل (۸:۱۸) آمده است که پسران داوود در امور دربار، کمک‌رسان پدر بودند. در متن عهد عتیق، نوادگان نیز به عنوان فرزند فرد محسوب شده‌اند و ایشان می توانند به مانند فرزندان بلاواسطه، امداد و کمک‌رسان ایشان در زندگی و رسالت ایشان باشند (از جمله اعداد، ۳:۲-۴).

گاهی در متن عهد عتیق دیده می شود که فرزند، به ویژه پسر، به عنوان حامی و

۱. گفتنی است منع و نهی از زنا با زن برادر مطرح شده است.

پشتوانه بیوه‌زنان مطرح می‌شود که اگر کسی از نعمت فرزند محروم باشد، مورد ظلم ظالمان قرار می‌گیرد؛ زیرا فرزندی برای حمایت و امداد ندارد (ایوب: ۲۴:۲۱) که در ادامه بیان می‌شود. در مقابل، روزگاری که افراد از حمایت فرزندان برخوردار بوده و فرزندان در اطراف فرد باشند، همراهی و لطف خدا بیان شده و تحت توجهات الهی قرار گرفته است (ایوب، ۲۹: ۴-۵)؛ پس فرزندآوری و بهره‌مندی از حمایت‌های فرزندان می‌تواند نشان توجه و لطف خدا به بنده‌اش باشد.

البته توجه به این نکته قابل تأمل است که هر فرزندی نمی‌تواند به عنوان حامی و مایه آرامش پدر باشد: «پسر حکیم به پدر خویش اعتبار می‌بخشد و در زمان‌های دشوار با راه‌حل‌های درست و سنجیده، یاور پدرش خواهد بود» (امثال ۲۷: ۱۱ و همچنین ر.ک: همان ۱۰: ۱ و ۱۵: ۲۰) که این نوعی دیگر از امداد، و برعکس این مطلب نیز صادق است. گاهی برخی فرزندان نه تنها یاری‌رسان والدین نیستند و ایشان از حمایت‌های فرزند بهره‌ای نمی‌برند، بلکه اسباب زحمت والدین نیز می‌گردند (ر.ک: همان، ۱۷: ۲۵؛ ۱۹: ۱۳؛ ۲۲: ۲۱ و ۲۳: ۱۵). فرزندی که مطیع شریعت خدا باشد، شکم پرست و تن‌آسا و موجب شرمساری پدرش نخواهد بود (امثال ۲۸: ۷؛ ۱۹: ۲۳-۲۵). از حمایت‌های چنین فرزندی است که والدین بهره می‌برند و چنین فرزندی مایه افتخارشان خواهد بود.

نقش فرزند صالح مانند شاخه بارور که در قالب تمثیل دیده می‌شود، اهمیت به فرزندآوری و صالح بودن فرزند را نشان می‌دهد که حاکی از توجه به بقای نسل صالح در محقق شدن وعده خدا به ایشان دارد. به عنوان مثال: «یوسف، شاخه‌ای بارور است. شاخه بارور بر سر چشمه‌ای که شاخه‌هایش از دیوار برآید» (پیدایش ۴۹: ۲۲). شاخه بارور در این آیه، کنایه‌ای از بهره‌وری از حمایت‌های فرزند، به عنوان یکی از فواید فرزندآوری دارد. یوسف علیه السلام علاوه بر خدمات اجتماعی بی‌شمار به مردم سرزمینش، با حمایت‌های خود، والدین و خانواده‌اش را نیز بسیار امداد نمود. این مطلب در عنوان بعدی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵-۲-۱. تعدد فرزندآوری و کثرت جمعیت؛ عاملی بر اقتدار و قدرت قوم

در این آیات، کثرت نسل به عنوان عاملی در اقتدار و قدرت قوم، از فواید اجتماعی فرزندآوری مطرح گردیده است:

- و حال آنکه از ابراهیم هر آینه امتی بزرگ و زورآور پدید خواهد آمد، و جمیع

امت‌های جهان از او برکت خواهند یافت (پیدایش ۱۸: ۱۸ و ۲۴: ۶۰).

- هر آینه تو (ابراهیم) را برکت دهم، و ذریت تو را کثیر سازم مانند ستارگان آسمان،

و مثل ریگ‌هایی که بر کناره دریاست. و ذریت تو دروازه‌های دشمنان خود را

متصرف خواهند شد (پیدایش ۲۲: ۱۷).

- و بنی اسرائیل بارور و منتشر شدند، و کثیر و بی‌نهایت زورآور گردیدند و زمین از

ایشان پرگشت (خروج ۱: ۷).

- وقتی که بالاق (پسر صفور) پادشاه موآب فهمید که تعداد بنی اسرائیل چقدر زیاد

است و با اموری‌ها چه کرده‌اند، خود و ملتش به وحشت افتادند (اعداد ۲۲: ۲-۳).

۶-۲-۱. فرزندآوری زنان نازا و افزایش اعتبار ایشان در جامعه

فرزندآوری و مادر شدن یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی به شمار می‌رفت که یک زن

می‌توانست در جامعه باستانی اسرائیل ایفا کند که سبب اعتبار زن در جامعه بود.

از این رو، عدم فرزندآوری، منبعی از اضطراب شخصی و استرس اجتماعی برای هر

زن متأهلی به حساب می‌آمد. داستان‌های زن عقیم و داستان تولد فرزند روت در

کتاب روت، به طور مستقیم، تأثیر نقش مادری، فرزندآوری یا فقدان آن را بر سطح

موقعیت اقتصادی و اجتماعی که یک زن می‌تواند در چنین جامعه‌ای داشته باشد،

بیان می‌کند.

فرزندآوری روت برای مادرشوه‌ر سابقش نیز دارای اهمیت و فایده بوده است؛

چراکه فرزندش، عوبید، به عنوان حامی نائومی در دوران کهنسالی وی در کتاب مقدس

بیان شده است (Jean. Meude: 1998: pp47-49).

۳-۱. نقش ایمان و اطاعت الهی در فرزندآوری

رابطه مستقیم در اطاعت الهی و فرزندآوری و کثرت جمعیت در این متن دیده می‌شود. همچنین رابطه گناه و معاصی، بی‌ایمانی و گناه در عقیم شدن و عدم فرزندآوری و قلت جمعیت مطرح شده است که یکی از مصادیق عذاب الهی به شمار می‌رود. در عوض، اجر اطاعت الهی در بیان بزرگان این متن مقدس، طول عمر افراد و توفیق دیدار نوادگان مطرح شده است (مزمیر ۱۲۸: ۶).

۱-۳-۱. ارتباط ایمان و دوری از معاصی با کثرت فرزندآوری و برکت آن

طبق برخی آیات، کثرت جمعیت و برکت آن، در اطاعت خدا دانسته شده است. همچنین چنین نسل و ذریه‌ای را ادامه‌دهنده و حافظ طریق خدا دانسته و مورد توجه قرار داده است:

- «زیرا او را می‌شناسم که فرزندان و اهل خانه خود را بعد از خود امر خواهد فرمود تا طریق خداوند را حفظ نمایند، و عدالت و انصاف را به جا آورند تا خداوند آنچه به ابراهیم گفته است، به وی برساند» (پیدایش ۱۸: ۱۹). این مطلب در موارد ذیل نیز دیده می‌شود:

- «برخیز (هاجر) و پسر را بردار، او را به دست خود بگیر؛ زیرا که از او اُمتی عظیم به وجود خواهیم آورد» (پیدایش ۲۱: ۱۸).

- «... و از ذریت تو (ابراهیم)، جمیع امت‌های زمین برکت خواهند یافت؛ زیرا قول مرا شنیدی» (پیدایش ۲۲: ۱۸).

- «و ذریت را مانند ستارگان آسمان کثیر گردانم، و تمام این زمین‌ها را به ذریت تو بخشم، و از ذریت تو جمیع امت‌های جهان برکت خواهند یافت؛ زیرا که ابراهیم قول مرا شنید و وصایا و اوامر و فرایض و احکام مرا نگاه داشت» (پیدایش ۲۶: ۴-۵).

- (قول موسی به خدا): «به یاد آور قولی را که به خدمتگزاران خود، ابراهیم، اسحاق

و یعقوب داده‌ای. به یاد آور چگونه برای ایشان به ذات خود قسم خوردی و فرمودی: فرزندان شما را مثل ستارگان آسمان بی شمار می‌گردانم و سرزمینی را که درباره آن سخن گفته‌ام به نسل‌های شما می‌دهم تا همیشه در آن زندگی کنند» (خروج ۳۲: ۱۳).

۲-۳-۱. بی‌فرزندگی و قلت نسل؛ از مصادیق عذاب الهی

«اگر مردی با زن عمومی خود همبستر شود، به عمومی خود بی‌احترامی کرده است. آنها به سزای گناه خود خواهند رسید و بی‌اولاد خواهند مرد. اگر مردی زن برادر خود را به زنی بگیرد، کار قبیحی کرده است؛ زیرا نسبت به برادرش بی‌احترامی نموده است. هر دوی ایشان بی‌اولاد خواهند مرد» (لاویان، ۲۰: ۲۰-۲۱).

در قسمتی دیگر از عهد عتیق، عذاب الهی در برابر معاصی و گناه، و عدم اطاعت از خدا با هلاک شدن فرزندان و کاهش جمعیت مطرح شده است. همان‌طور که قبلاً بیان شد، اجر و پاداش طاعت الهی، تعدد فرزندآوری و کثرت نسل است. در واقع، نسل پاک، مطلوب عهد عتیق است و دلیل هلاکت برخی نسل‌ها، غضب الهی به دلیل فساد و معاصی ایشان بوده است (صفینیا ۲: ۸).

- «ولی اگر به من گوش ندهید و مرا اطاعت نکنید... جانوران وحشی را می‌فرستم تا فرزندان‌تان را بکشند و حیوانات شما را هلاک کنند و از تعداد جمعیت شما بکاهند تا راه‌هایتان بدون رهگذر و متروک شوند» (لاویان ۲۵: ۱۴ و ۲۲).

- در این رابطه، نزول بلاها، از جمله بیماری و... عاملی بر کاهش جمعیت و عذاب الهی در قبال عدم طاعت الهی مطرح شده است (تثنیه ۲۸: ۵۹ و ۶۲).

۳-۳-۱. ایمان به رزاقیت خدا در فرزندآوری و کثرت نسل

هنگامی که قوم موسی از او تقاضای گوشت کردند و سپس نیاز آنها توسط موسی به خدا مطرح شد، خداوند وعده تزریق گوشت را به قوم موسی داد؛ اما موسی کثرت جمعیت را

مانع تحقق این وعده دانست و این وعده را ناشدنی گمان کرد. خداوند به او اطمینان خاطر داد که او رزاق است و گرسنگان را سیر خواهد نمود (اعداد ۱۱: ۲۱-۲۳).

۱-۳-۴. فرزندآوری و تربیت دینی در راستای طاعت الهی

یکی از اهداف تشویق به فرزندآوری، در راستای شناخت خدا و نسلی مطیع اوامر الهی است. شناخت احکام شریعت و تربیت دینی فرزندان، از مسئولیت‌های والدین به شمار می‌آید. در مزامیر (۷۸: ۵-۸) از فرزندان تربیت یافته در دامن شریعت و احکام دین به نیکی یاد شده و بالعکس از نسل ناصالح، به دلیل دوری از تربیت دینی و احکام شریعت، با کراهت سخن گفته است.

۱-۳-۵. فرزندآوری؛ امتحان الهی

یکی از شخصیت‌های عهد عتیق که در این رابطه مورد امتحان الهی قرار گرفت، ابراهیم علیه السلام است. داستان ذبح فرزند او، اسحاق، در این آیات بیان شده است که خدا ترسی و اطاعت بی چون و چرای ابراهیم در برابر دستورات الهی مطرح می‌گردد. در این آزمون الهی، ابراهیم سربلند بیرون می‌آید در حالی که فرزند مورد آزمون است (پیدایش ۲۲: ۱-۱۳). ایوب علیه السلام نیز مورد آزمون‌های مختلفی قرار گرفت که یکی از آنها از دست دادن فرزندانش بود. در داستان ایوب: «با چهار بلای خانمان سوز، شیطان گله‌ها و خادمان و فرزندان ایوب را هلاک می‌کند؛ فقط چهار قاصد زنده می‌مانند» (ایوب، ۱: ۱۳-۱۹).

۱-۴. نکات دیگر

چند همسری و تعدد فرزندان

تعدد فرزندان و کثرت فرزندآوری در عهد عتیق می‌تواند نشان از تعدد ازدواج یک مرد در این راستا باشد. همان طور که بعداً بیان خواهد شد در این متن، موارد کثرت ازدواج در برخی انبیای الهی و یا پادشاهان ملاحظه می‌گردد؛ اما در تفسیر مک آرتور مشاهده می‌شود وی باتوجه به استناداتی از متن عهد عتیق، ازدواج متعدد را در شأن

یک مرد نمی‌داند و معتقد است قوای جنسی مرد فقط محدود به یک همسر می‌باشد؛ «طرح و تدبیر خدا برای پیوند ازدواج این است که هر مرد فقط یک همسر داشته باشد» (پیدایش، ۱:۲۴-۵).

«خدا برای آدم فقط یک زن آفرید - تا فرزندانى خداشناس را در دامان خود پرورش دهد - چندهمسری، طلاق، و ازدواج با زنان بت پرست، برای خاندان بنی اسرائیل، اعمالی ویرانگر به حساب می‌آمدند. آنها با چنین اعمالی مانع از به ثمر رسیدن نسلی خدا ترس می‌گشتند، نسلی که مسیح موعود باید از طریق آن ظهور می‌نمود. فقط زمانی که پدر و مادر به عهد ازدواجشان پایبند بمانند، اساس و شالوده زندگی خداپسندانه فرزندان تضمین می‌گردد. از آنجاکه پایه‌های ازدواج به لرزه درآمده بودند، ملاکی هشدار می‌دهد: «مبادا مردی به همسرش خیانت ورزد» (اول پادشاهان، ۶-۱۱:۱ و آرتور، ۲۰۰۵، ص ۱۳۶۷). اما باین وجود، در بسیاری از موارد در متن عهد عتیق، تعدد زوجات و به تبع آن، تعدد فرزندان مشاهده می‌شود؛ از جمله: در داوران (۹:۱۲)، به سی فرزند پسر و سی فرزند دختر «ابصان» اشاره دارد که تعداد زیاد فرزندان، نشان از چندهمسری است. همچنین می‌توان چندهمسری را راه چاره‌ای برای حمایت زنان بیان کرد که در طول تاریخ، جمعیتشان همیشه بیش از مردان بوده و یا می‌توان گفت این راهکار برای حفظ بی‌بندوباری‌های جنسی ارائه شده است.

۲. فرزندآوری در عهد جدید

می‌توان گفت در عهد عتیق، تعداد و نام فرزندان برخی از انبیای الهی و سایرین که نشان از تعدد فرزندآوری و کثرت جمعیت می‌باشد، مطرح شده؛ به گونه‌ای که فصل پیدایش و برخی فصول دیگر آن به این قسم مطالب پرداخته است. اما در عهد جدید، این مطلب، محدود به نظر می‌رسد؛ از جمله: در اعمال رسولان (۸:۷)، اشاره به دوازده پسر یعقوب را می‌توان ملاحظه نمود. همچنین در همین کتاب (۱۴:۷) می‌توان آماری از فرزندآوری یعقوب و سایر عیالش به دست آورد که ایشان ۷۵ نفر بودند. با این تفاوت که

در پیدایش (۲۶:۴۶-۲۷)، خروج (۵:۱) و تثنیه (۱۲:۱۰)، این تعداد را هفتاد نفر بیان کرده‌اند. با این حال در پیدایش (۲۷:۴۶) که از ترجمه «هفتادتنان» نقل شده است، این تعداد، «۷۵ نفر» عنوان می‌شوند. این پنج نفر را فرزندان و بازماندگان یوسف می‌دانند که در مصر متولد شدند (آرتور، ۲۰۰۵، ص ۴۷۶).

۲-۱. تعابیر ناظر به نسبت فرزندآوری و فرزندان با خدا

همان طور که در عهد قدیم ملاحظه گردید، فرایند فرزندآوری و فرزندان، با تعابیری به خدا منسوب شده است. در عهد جدید نیز چنین تعابیری دیده می‌شود، ولی به لحاظ آماری نسبت به عهد عتیق بسیار اندک است.

۲-۱-۱. فرزندآوری و برکت در نسل؛ وعده الهی

از جمله آیاتی که در زمینه تحقق این وعده آمده است، در رساله عبرانیان (۱۱:۱۱-۱۲) و رومیان (۴:۱۸-۲۱) است که ذیل عنوان «یقین به وعده الهی در فرزندآوری» بیان می‌گردد. در این آیات، ابراهیم و داوود نبی علیه السلام، دو جد عیسی علیه السلام معرفی شده‌اند، که بیان شده ایشان به ویژه حضرت ابراهیم علیه السلام دارای نسلی بابرکت است؛ در بیان معرفی یک الگو برای فرزندآوری بابرکت در میان انبیای الهی، ابراهیم علیه السلام می‌باشد (متی ۱:۱).

۲-۱-۲. بشارت الهی به فرزندآوری

بشارت به فرزندآوری زکریا علیه السلام و تولد یحیی علیه السلام در قالب «مژده تولد یحیی تعمیددهنده» (۵-۲۵) و بشارت تولد عیسی علیه السلام به مریم علیه السلام با عنوان «مژده تولد عیسی» (۲۶-۵۶) در فصل اول انجیل لوقا آمده است. همان طور که قبلاً بیان شد، بشارت و مژده، در موارد پسندیده و مورد دلخواه انسان به کار می‌رود. در آیه ۲۰ همین فصل، مژده به عنوان اعلام خبر خوش مطرح شده است که توسط فرشته وحی، جبرائیل، به زکریا علیه السلام ابلاغ می‌شود. پس می‌توان گفت در عهد جدید نیز فرزندآوری مطلوب است که به عنوان مژده مطرح می‌شود. بشارت تولد یحیی علیه السلام به زکریا علیه السلام در لوقا (۱:۱۳-۱۴) بیان شده است.

۳-۱-۲. فرزندآوری؛ لطف و عنایت الهی

در انجیل لوقا، فصل اول آیه ۲۴، مژده فرزندآوری به زکریا علیه السلام پس از مدتی با بارداری الیزابت محقق می‌گردد. در آیه بعد، الیزابت فرزندآوری را **لطف خدا** به وی و مایه سرافرازی میان مردم بیان می‌کند: «طولی نکشید که همسرش، الیزابت، باردار شد. او برای مدت پنج ماه گوشه‌نشینی اختیار کرد و می‌گفت: «سرانجام خداوند بر من نظر لطف انداخت و کاری کرد که دیگر در میان مردم شرمگین نباشم» (لوقا: ۱: ۲۵).

در ششمین ماه بارداری الیزابت، جبرائیل مژده تولد عیسی علیه السلام را به مریم علیها السلام می‌دهد که در این آیه نیز فرزندآوری مصداقی از **لطف الهی** بیان شده است: «جبرائیل به مریم ظاهر شد و گفت: سلام بر تو ای دختری که مورد لطف پروردگار قرار گرفته‌ای! خداوند با توست!» (لوقا: ۱: ۲۸).

«مریم سخت پریشان و متحیر شد؛ چون نمی‌توانست بفهمد منظور فرشته از این سخنان چیست. فرشته به او گفت: ای مریم، نترس! زیرا خدا بر تو نظر **لطف** انداخته است! تو به زودی باردار می‌شوی، پسری به دنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد. او مردی بزرگ خواهد بود و پسر خدا نامیده خواهد شد و خداوند تخت سلطنت جدش، داوود، را به او واگذار خواهد کرد تا برای همیشه بر قوم اسرائیل سلطنت کند. سلطنت او هرگز پایان نخواهد یافت» (لوقا: ۱: ۲۸-۳۳). «چون او من ناچیز را مورد عنایت قرار داده است، از این پس، همه نسل‌ها مرا خوشبخت خواهند خواند؛ زیرا خدای قادر و قدوس در حق من کارهای بس بزرگ کرده است (لوقا: ۵۰)» **لطف و رحمت او**، نسل‌به‌نسل شامل حال آنانی می‌شود که از او می‌ترسند».

باتوجه به آیه ۵۰ همین فصل، فرزندآوری زمانی رحمت الهی محسوب می‌شود که تقوای الهی والدین مقدمه آن باشد. این چنین است که فرزندان شایسته در نسل‌های آینده پا به عرصه وجود خواهند گذاشت.

۴-۱-۲. فرزندآوری؛ تدبیر الهی

از شروع فصل اول در عهد عتیق، تدبیر خداوند در سفارش و توصیه، لطف و عنایت به فرزندآوری‌ها، خصوصاً در داستان‌های زنان نازا، به‌ویژه نقش فرزندآوری بیوه‌زنی به نام «روت» تا داستان تولد حضرت عیسی علیه السلام که در اناجیل متی و لوقا آمده است (باغبانی آرانی، ۱۴۰۰، ص ۸۴) و در انتقال فرزندان شایسته، نسل به نسل مدبرانه رخ می‌نماید. در ذیل غلاطیان (۳: ۸-۹) در تفسیر «مک آرتور» آمده است؛ «بشارت به ابراهیم علیه السلام که در پیدایش (۱۸: ۱۸) مطرح شده است، بشارت نجات ابدی همه ایمان‌داران یهودی و غیریهودی به واسطه ایمان می‌باشد که به عنوان یک پیشگویی در عهد عتیق بیان شده است. مفسر بیان می‌دارد این برکت، توسط مسیح، به همه ایمان‌داران ارزانی می‌شود» (آرتور، ۲۰۰۵، ص ۷۵).

۲-۲. فواید فرزندآوری

همان‌طور که در عهد عتیق ملاحظه گردید، به دلیل برخورداری از فرزندان، که حاصل فرایند فرزندآوری هستند، فوایدی دیده می‌شود. در عهد جدید نیز فوایدی اندک دیده می‌شود:

۱-۲-۲. فرزندآوری؛ سبب سرور و شادی

با تولد فرزندان، خانواده بیش‌ازپیش احساس شادی و نشاط خواهد نمود. فرزندآوری عاملی در ایجاد سرور و شادمانی است که این سرور ویژه حاصل از تولد فرزندان، یکی از فواید فردی فرزندآوری به شمار می‌رود که در این آیه در قالب تمثیلی بیان شده است: «مردم دنیا از رفتن من خوشحال خواهند شد؛ ولی شما محزون خواهید گردید و گریه خواهید کرد؛ ولی وقتی دوباره مرا ببینید، گریه شما تبدیل به شادی خواهد شد. همچون زنی که درد می‌کشد تا نوزادی به دنیا آورد؛ ولی بعد از زایمان، رنج او به شادی تبدیل می‌شود و درد را فراموش می‌کند؛ زیرا انسان جدیدی به دنیا آورده است. شما نیز

اکنون غمگین می‌باشید؛ ولی دوباره شما را خواهیم دید. آنگاه شاد خواهید شد و کسی نمی‌تواند آن شادی را از شما بگیرد» (یوحنا ۱۶: ۲۰-۲۲).

۲-۲-۲. فرزندآوری؛ مایه سرافرازی

این مطلب که در انجیل لوقا (۱: ۲۵) آمده است، می‌تواند به خوبی قابل درک باشد. چه بسا بهره‌مندی از فرزندان صالح و شایسته باعث سرافرازی والدین خواهد شد. همچنین باتوجه به متن عهدین، نداشتن فرزند و بی‌بهرگی از این نعمت بزرگ الهی، نوعی خواری و ذلت برایشان محسوب می‌شده است.

۲-۲-۳. برخورداری از یاری فرزندان و نوادگان

از اول تیموتائوس (۵: ۱۴) دریافت می‌شود که بهره‌مندی از امداد فرزندان، یکی دیگر از فواید فردی فرزندآوری به شما می‌رود. امری مسلم است انسان‌هایی که دارای نعمت فرزند هستند، از کمک و استعانت ایشان برخوردار می‌گردند و در صورت عدم فرزندآوری و یا فقدان فرزندان، از حمایت‌های مادی و معنوی ایشان محروم می‌شوند. در کهنسالی، نیاز افراد به مراقبت و حمایت مادی و معنوی، بیش از پیش است. بنابراین، بهره‌وری از امداد فرزندان، بهترین حمایت برای ایشان است؛ چراکه از فرزند به انسان نزدیک‌تر کسی را نمی‌توان یافت و نهایت آرامش را در کنار او می‌توان تجربه نمود. این هم لطف خدا به بشریت است که با تدبیر حکیمانه‌اش فرزندآوری را در طبیعت و غریزه انسان قرار داده است تا از سایر نعمت‌ها نیز بهتر استفاده نماید و از فواید آن بهره‌مند گردد.

۲-۲-۴. غلبه بر مستکبران و حمایت مستضعفان

اشاره به تولد عیسی علیه السلام (در لوقا ۱: ۷۱)، به عنوان نجات‌دهنده‌ای که انسان‌ها را از چنگال مستکبرین زمان نجات می‌دهد، می‌تواند - با الغای خصوصیت از شخصیت الهی و تولد خاص او - نویدبخش تولد چنین فرزندان در هر عصر و زمان باشد که در راستای هدایت افراد و نجات جامعه و حمایت از مستضعفان گام برمی‌دارند. دست‌کم تولد

فرزندانی که مدافع و زمینه‌ساز خدمات شخصیت‌های الهی و معنوی و تأثیرگذار در عرصه جامعه باشند و اقتدار کشور را به ارمغان بیاورند.

برخی از آیات، با این بحث مرتبط می‌باشند: «او دست خود را با قدرت دراز کرده و متکبران را همراه نقشه‌هایشان پراکنده ساخته است. سلاطین را از تخت به زیر کشیده و فروتنان را سر بلند کرده است. گرسنگان را با نعمت‌های خود سیر کرده، اما ثروتمندان را تهی دست روانه نموده است. او رحمت خود را که به اجداد ما وعده داده بود، به یاد آورده و به یاری قوم خود، اسرائیل، آمده است. بلی، او وعده ابدی خود را که به ابراهیم و فرزندان او داده بود، به یاد آورده است» (لوقا: ۱: ۵۱-۵۵).

۲-۲-۵. فرزندآوری؛ افتخار قوم

در عهد عتیق بیان شد که فرزندآوری، عاملی بر سر بلندی، اعتبار، افتخار و عزت والدین، به ویژه زن بوده است؛ اما در این قسمت از کتاب مقدس، بحث مژده به تولد فرزندی مطرح است که اولاً: این مژده توسط جبرئیل اعلان شده است. ثانیاً: تولد این فرزند، مایه سر بلندی قوم مطرح گردیده است؛ لذا این تولد نسبت به سایر فرزندآوری‌ها در عهدین، منحصر به فرد است؛ زیرا تولد این فرزند، بدون داشتن پدر حاصل شده است. علاوه بر اینکه تولد این فرزند، تا ابد مایه افتخار مادر و نیز عامل سر بلندی، سعادت و افتخار اقوام مختلف بنی اسرائیل است. به این دلیل، فراخوان تولدش برای مردم به عنوان مژده مطرح شده است. فرزندی که تأمل در کلام نورانی اش تاریکی‌های جهل را از اذهان خفته مردم می‌زداید و راه سعادت و نجات را به ایشان نشان می‌دهد؛ لذا فرزندآوری مریم علیها السلام افتخاری برای تمام اقوام است: «او همچون نوری بر قوم‌ها خواهد تابید و ذهنشان را منور خواهد ساخت و مایه سر بلندی قوم تو، بنی اسرائیل، خواهد شد!» (لوقا: ۲: ۳۲).

۲-۲-۶. فرزندآوری؛ عاملی برای خوشبختی

هر فردی خوشبختی را وابسته به عواملی می‌داند. برای پیروان عیسی مسیح علیه السلام،

باتوجه به آیه ذیل، عاملی برای خوشبختی فرد، از زبان مریم علیها السلام بیان شده است. وی فرزند را عاملی برای خوشبختی مطرح می‌نماید که فرایند فرزندآوری در رسیدن به آن قطعاً و یقیناً نقش خواهد داشت. هرچند این فرایند در باروری مریم علیها السلام، استثنایی و بدون داشتن همسر صورت پذیرفته است، اما با دریافت پیام‌های این دسته از آیات می‌توان در شناخت اهمیت و جایگاه فرزندآوری پی برد!

در آیه ۴۸ فصل اول لوقا، مریم علیها السلام فرزندآوری^۱ را عنایت خدا به وی و عاملی برای خوشبختی ابراز می‌کند. فرزندى شایسته که سبب افتخار مادر بوده است و این فرزندآوری، در نسل‌های آینده نیز مایه مباهات و زنده کردن نام او می‌باشد.

آیه دیگری نیز خوشبختی مادر را به علت فرزندآوری و داشتن فرزندى شایسته بیان می‌دارد و در نهایت کلام عیسی علیه السلام، از عمق درک و معرفت او به خدا و فرمانبرداری الهی این فرزند شایسته نشان دارد. فرزندآوری و تربیت فرزندان شایسته، عاملی برای سعادت والدین - اینجا مادر - بیان شده است و از این بالاتر، از نظر عیسی علیه السلام، بیش از هر چیز، اطاعت از خدا در سعادت شخص مؤثر می‌باشد: «این سخنان هنوز بر زبان عیسی بود که زنی از میان جمعیت با صدای بلند گفت: خوشا به حال آن مادری که تو را به دنیا آورد و شیر داد! عیسی در جواب گفت: بلی، اما خوشبخت‌تر از مادر من کسی است که کلام خدا را می‌شنود و به آن عمل می‌کند» (لوقا: ۱۱: ۲۷ - ۲۸).

۳-۲. تأثیر ایمان و یقین به خدا بر فرزندآوری و تربیت فرزندان

ایمان به خدا، مهم‌ترین تأثیرات را در زندگی بشر می‌گذارد. قدرت ایمان در تمام ارکان زندگی می‌تواند معجزه‌گر باشد که یکی از آن موارد، در مقوله فرزندآوری است که در ادامه بیان می‌شود.

۱-۳-۲. تأثیر ایمان والد بر فرزند

تأثیر ایمان والدین و صالح بودن آنها، نقش بسزایی در تربیت فرزندان دارد. علاوه بر

۱. مژده تولد مسیح علیه السلام به مریم علیها السلام (انجیل لوقا: ۲: ۱-۱۴) و وضع حمل مریم علیها السلام (همان: ۶-۷).

توجه به تعدد فرزندآوری و کثرت آن، فرزندآوری در راستای تربیت دینی و ایجاد نسلی با انسان‌های موحد و مخلص نیز در متن عهد جدید، به مانند عهد عتیق دریافت می‌شود. تولد و تربیت فرزندان با ایمان مستحکم که مدعیان و مبلغان دروغین مسیحیت، ایمانشان را به هیچ ترفندی نتوانند برابیند: «هیچ‌گاه از یاد نمی‌برم چه ایمان خالصی به خداوند داشتی، درست مانند مادرت «افنیک» و مادربزرگت «لوئیز» و اطمینان دارم که اکنون نیز ایمانت به همان اندازه مستحکم است» (دوم تیموتائوس ۱: ۵). «از آنجاکه ابراهیم و سایر انبیا، مردان خدا هستند، فرزندان‌شان نیز باید همان طور باشند؛ زیرا اگر ریشه‌های درخت مقدسند، شاخه‌ها نیز باید مقدس باشند» (رومیان ۱۱: ۱۶). در تفسیر یوحنا (۸: ۳۹) مطلبی آمده است که به روشن شدن مفهوم این قبیل آیات کمک می‌کند. این جمله بدین معنا است: «اگر شما فرزندان ابراهیم بودید، که در واقع نیستید، آنگاه مانند ابراهیم عمل می‌کردید. همان طور که کودکان، بسیاری از خصوصیات ژنتیکی را از پدر و مادر خویش به ارث می‌برند، کسانی هم که به راستی فرزندان ابراهیم باشند، مانند او رفتار خواهند کرد. بدین معنا که ایمان و اطاعت او را سرمشق قرار می‌دهند» (ر.ک. رومیان ۴: ۱۶؛ غلاطیان ۳: ۶-۹؛ عبرانیان ۸: ۱۱-۱۹ و یعقوب ۲۱: ۲-۲۴ (آرتو، ۲۰۰۵، ص ۳۹۹-۴۰۰)).

۲-۳-۲. یقین به وعده الهی در فرزندآوری

یکی از تأثیرات ایمان به خدا، امیدواری به فرزندآوری، به ویژه برای افراد عقیم و سالخورده است. انسانی که به قدرت خدا ایمان واقعی دارد، می‌داند اگر اراده خدا در امری قرار گیرد، بدون برخورداری از اسباب ظاهری نیز قادر به انجام آن است. سارا (ساره)، این بانوی باایمان، از جمله افرادی است که قدرت الهی را در این زمینه به خوبی درک نمود. با رفع الغای خصوصیت از آیات زنان نازا، یقین و ایمان به قدرت الهی در فرزندآوری دریافت می‌شود و اینکه خداوند فرزندآوری افراد را تدبیر و مدیریت می‌کند؛ لذا علاوه بر رفع احساس غم و اضطراب در بی‌اولادی، محقق شدن خواسته با طلب دعا از درگاه آن

بی نیاز را می توان امید داشت. پس باید افراد نازا با استفاده از پیشرفت علم و تکنولوژی و بهره مندی علمی در این زمینه و همچنین اعتماد به خدا، در طلب فرزند با امید گام بردارند و از یأس پرهیزند. برای درک عمق ایمان یکی از این زنان نازا که همسر نبی خداست، آیتی از رساله عبریان در ذیل می آید:

«همسر او، سارا، نیز به خدا ایمان داشت و به دلیل همین ایمان، قدرت یافت تا باردار شود؛ گرچه بسیار سالخورده بود. زیرا او پی برده بود که خدا قادر است به وعده ای که به او داده است، وفا کند. بنابراین، از ابراهیم، یعنی از کسی که دیگر قادر به تولید مثل نبود، نسل هایی به وجود آمد که همچون ستارگان آسمان و شن های کنار دریا، بی شمار بودند» (رساله عبرانین ۱۱: ۱۱-۱۲).

در تفسیر این آیات، مک آرتور می گوید: «ساره در نود سالگی (پیدایش ۱۷: ۱۷) دیگر در سن بارداری نبود و هرگز هم باردار نشده بود. اما خدا او را قادر ساخت تا باردار شود؛ زیرا ساره به وعده خدا ایمان آورد. ابراهیم نیز در سن نود و نه سالگی در سنی نبود که بتواند صاحب فرزندی شود. این امر ممکن نبود؛ مگر با مداخله الهی (پیدایش ۱۷: ۱۷؛ ۱۷-۱۵). درباره این قسمت آیه «همچون ستارگان آسمان و شن های کنار دریا، بی شمار بودند»^۱ بیان می دارد: نویسنده از آرایه ادبی مبالغه بهره می گیرد تا بر وسعت جمعیتی که از نسل ابراهیم به وجود می آمدند تأکید نماید. (پیدایش ۱۵: ۴-۵ و ۱۷: ۲۲؛ آرتور، ۲۰۰۵، ص ۱۰۱۶).

۳-۲-۳. فرزند؛ امتحان الهی

خداوند انسان ها را در موارد مختلفی می آزماید. یکی از موارد آزمون، فرزندان می باشند. سربلند بیرون آمدن از آزمون های الهی نیز به قدرت ایمان و درجه خلوص افراد بستگی دارد.

از جمله آزمون های الهی برای ابراهیم علیه السلام که در عهد قدیم نیز بیان شده است، دستور به قربانی کردن فرزندش، اسحاق علیه السلام^۲ می باشد: «زمانی که خدا ابراهیم را در بوتّه آزمایش

۱. در پیدایش ۱۷: ۲۲ علاوه بر رساله عبرانین ۱۱: ۱۱-۱۲ این عبارت آمده است.

۲. در قرآن، با توجه به تفاسیر روایی، نام فرزند، اسماعیل علیه السلام بیان شده است. شرح ماجرای قربانی شدن اسماعیل علیه السلام، در سوره مبارکه «صافات»، آیات ۱۰۲ تا ۱۰۷ ذکر شده است.

قرار داد و از او خواست تا پسرش، اسحاق، را قربانی کند، او به سبب ایمانی که به خدا داشت، حاضر شد دستور خدا را اطاعت نماید. با اینکه او درباره اسحاق وعده‌هایی از خدا دریافت کرده بود، اما آماده شد تا او را قربانی کند. بلی، همان اسحاق را که خدا وعده داده بود از طریق او نسلی برای ابراهیم به وجود بیاورد. زیرا ابراهیم ایمان داشت که حتی اگر اسحاق بمیرد، خدا قادر است او را زنده سازد. در واقع، همین طور نیز شد؛ زیرا اسحاق از دیدگاه ابراهیم محکوم به مرگ بود، اما عمر دوباره یافت» (عبرانیان ۱۱: ۱۷-۱۹).

۴-۳-۲. آسودگی خاطر در دغدغه‌های اقتصادی با اعتماد به رزاقیت خدا

یکی از موانع فرزندآوری در میان برخی اقشار جوامع بشری، ترس از فقر و تأمین مایحتاج فرزند است. می‌توان گفت یکی از دلایل آن، ناشی از ضعف ایمان و عدم یقین به رزاقیت الهی است. بیان شد که در متن عهدین، به ویژه در عهد عتیق، توجه به فرزندآوری و حتی رقابت بر سر زیاد شدن آنها مطرح است و مطلبی مبنی بر عدم فرزندآوری و یا قتل فرزندان از بیم فقر دیده نمی‌شود. در برخی آیات نیز سخن از قربانی کردن فرزندان به میان می‌آید که به خاطر فقر نبوده؛ بلکه به دلیل سنت‌های غلط بوده است. از جمله می‌توان به نذرهایی اشاره کرد که با توجه به نذر، باید فرزند را برای بتی قربانی نمایند. البته آیاتی در نهی و مذمت این رفتارهای ناپسند بیان شده است تا این روش غلط اصلاح گردد. اما خبری از قتل فرزندان از روی تنگدستی و یا ترس از فقر نیست.^۱

شاید برخی افراد، وجود امکانات رفاهی را در امر فرزندآوری لازم و ضروری می‌دانند؛ لذا به دلیل نداشتن امکانات رفاهی، از این امر خودداری شود. با توجه به تفسیر لوقا (۱۱):
 (۷) می‌توان دریافت که انگیزه و دغدغه مندی در فرزندآوری و اهمیت به تعدد فرزندان، با امکانات رفاهی همراه نبوده است.^۲

۱. و در عهد عتیق به این قسم آیات اشاره شد.

۲. اغلب منازل در اسرائیل فقط یک اتاق داشته‌اند که تمام اعضای خانواده در آنجا در کنار یکدیگر می‌خوابیدند (آرتور، ۲۰۰۵، ص ۲۹۰).

۴-۲. نکات دیگر

۴-۲-۱. دستور عیسی علیه السلام مبنی بر فرزندآوری

دستور عیسی علیه السلام درباره ازدواج بیوه‌زنان در اول تیموتائوس (۵: ۱۴) آمده است. دلیل سفارش به ازدواج آنها قدرت فرزندآوری است که از تفسیر این آیه به دست می‌آید: «زیرا بیوه‌زنان جوان‌تر، هنوز در سنی بودند که می‌توانستند صاحب فرزند شوند. اگرچه آنها همسر خود را از دست داده بودند، هنوز این امکان برایشان فراهم بود که از امتیاز و برکت ازدواج دوباره داشتن فرزندان بهره‌مند گردند» (ر.ک: توضیح ۲: ۱۵ و ر.ک. مزامیر ۵۳: ۱۲۷؛ آرتور، ۲۰۰۵، ص ۱۰۱۶).

بهره‌مندی از فرزندان به عنوان برکت در ازدواج، ناشی از اهمیت فرزندآوری است که در سایه سار ازدواج حاصل می‌شود: «پس به نظر من، بهتر است که بیوه‌های جوان ازدواج کنند و بچه دار شوند و به خانه‌داری پردازند تا کسی نتواند از کلیسا عیب و ایرادی بگیرد.»

علاوه بر این، نکاتی پیرامون این آیه دریافت می‌شود:

الف) یکی از اهداف ازدواج، فرزندآوری است. هدف از دستور به ازدواج با بیوه‌زنان در این آیه، این است که علاوه بر بهره‌مندی از فرزندان قبلی، مجدد به فرزندآوری روی آورند و فواید بیشتری در قبال فرزندآوری نصیب ایشان گردد.

ب) فرزندآوری و توجه به آن، از جمله موارد مثبت برای اعتبار کلیسا و دین مطرح شده است که می‌توان گفت یکی از رسالت‌های کشیش‌ها، تشویق به امر فرزندآوری بوده است. البته تحقیقات تاریخی، مستلزم اثبات این فرضیه است! که در این پژوهش مجال پرداختن به آن نیست.

ج) در این آیه، بحث خانه‌داری - کدبانو - در کنار فرزندآوری آمده است که با توجه به نظر نویسنده تفسیر عهد جدید، پرورش فرزندان را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه مدیریت و رسیدگی به تمامی امور خانه منظور است. یک زن متأهل در محیط خانه می‌تواند طرح و برنامه‌ای را که خدا برایش مقرر نموده است به انجام برساند (ر.ک: توضیحات تیپس ۲: ۴-۵) (آرتور، ۲۰۰۵).

۲-۴-۲. رویکردی نو در تشویق به ازدواج مسیحیان با استفاده از مقوله فرزندآوری در عهدین مگر نه اینکه عیسی علیه السلام سعادت فرد را در اطاعت خدا می داند، لذا با توجه به اعتقاد مسیحیان به عهد عتیق و مقبولیت متن آن، دستور مستقیم الهی، مبنی بر فرزندآوری و تأکید آن است، نه تک فرزندی! بلکه به کرات و دفعات مختلف، صاحب فرزندان با تربیت شایسته شوند تا جهان، مملو از محبت و دوستی در سایه سار ایمان به خدا گردد. پس نتیجه اینکه فرزندآوری به مثابه اطاعت الهی است. مقدمه این اطاعت نیز زمینه سازی برای آن و امر مقدس ازدواج است.

هرچند که این آیات در مورد مریم علیها السلام و تولد خاص عیسی علیه السلام می باشد، ولی همان طور که بیان شد، می توان با الغای خصوصیت از آن به نتایجی کاربردی، در حیطه فرزندآوری با توجه به تفسیر این آیات دست یافت. لذا فرزندآوری در راستای طاعت الهی و فرزندان مطیع در برابر فرامین الهی قطعاً سعادت دنیوی و اخروی را به همراه خواهد داشت!

بحث و نتیجه گیری

همان طور که ساختار پژوهش گویا بود، تعابیر ناظر بر فرزندآوری، فواید این موضوع و نقش پررنگ ایمان، موضوعی کاملاً مشترک در عهدین بوده است؛ همچنان که یکی از راهکارهای برطرف شدن ننگ و خواری زنان، فرزندآوری مطرح شده است (آرتور، ۲۰۰۵، ص ۹۰۵). در عهد جدید موضوع فرزندآوری، نسبت به عهد عتیق بسیار کم رنگ تر است. به دلیل اینکه مسیحیت، تقرب را در مجرد بودن می دانند، در نتیجه، اهمیت به فرزندآوری در آن نسبت به دین یهودیت کمتر دیده می شود. با قبول این مطلب باید گفت با این وجود حضرت مسیح علیه السلام یکی از دلایل ازدواج را فرزندآوری بیان کرده و ایشان حتی به ازدواج بیوه زنان جوان، برای فرزندآوری سفارش نموده و برای این موضوع، اهمیتی خاص قائل شده است. از طرفی دیگر، بحث تکریم و احترام به والدین نیز یکی از مباحثی است که اهمیت این موضوع را در عهد جدید بیان می دارد. همچنین از سخنان مسیح علیه السلام در قالب تمثیل نیز فواید بسیاری برای فرزندآوری دریافت گردید.

پس می‌توان گفت در مسیحیت نیز این موضوع دارای اهمیت می‌باشد؛ هرچند از نظر آماری نسبت به دو دین دیگر مطالبی کمتر به چشم می‌خورد.

در عهد عتیق عدم فرزندآوری موجب ننگی برای زن مطرح شده و در مقابل، فرزندآوری، مایه عزت و برطرف شدن ذلت بیان شده است. فرزندآوری نیز نماد قدرت برای زن مطرح شده است (پیدایش ۳۰:۸)، اما در عهد جدید این مطالب ملاحظه نمی‌گردد. همچنین در عدم فرزندآوری زنان نازا در عهد عتیق، اضطراب شخصی و اجتماعی برای هر زن متأهل دریافت می‌شود که در عهد جدید مطالبی در این رابطه ملاحظه نمی‌گردد.

برانگیخته شدن حسادت زنانه در فرزندآوری زنان نازا، در عهد عتیق به خوبی نمایان است (پیدایش ۳۰:۱-۲). طعنه زدن زنان بارور به زنان نابارور، اشک از دیدگان ایشان جاری نموده و دل شکستن افراد نازا، عاملی در اجابت دعای ایشان در طلب فرزندآوری مطرح شده است (اول سموئیل ۱:۶-۸). از این جمله موارد در عهد جدید دیده نمی‌شود. به عنوان نمونه، در پیدایش (۱۶:۴)، هاجر، ساره را به خاطر نازایی تحقیر می‌کند.

در عهد جدید، نام مراکزی از جمله کلیسا به عنوان مرکز نگهداری والدین مطرح شده است؛ هرچند که حمایت فرزندان و نوادگان ایشان، قابل مقایسه با حمایت این مراکز نمی‌باشد. البته در عهد عتیق خبری از این مراکز نیست و شاید یکی از دلایل توجه زیاد به فرزندآوری، تولد فرزندان است که علاوه بر ارتقای موقعیت اجتماعی و استفاده از آنها در توسعه اقتصادی، بهره‌بری از حمایت‌های مادی و عاطفی ایشان است.

در عهد جدید، ایمان یکی از والدها در تربیت فرزندان صالح و شایسته کفایت می‌کند (اول قرنتیان ۷:۱۳-۱۴) (آرتور، ۲۰۰۵، ص ۶۴۱)، اما در عهد عتیق (امثال سلیمان ۵:۱۶-۱۷) نقش ایمان والدین - هم پدر و هم مادر - در تربیت شایسته ایشان لازم و مؤثر بیان شده است. باید گفت نگاه به فرزندآوری در عهد عتیق، نگاهی مادی و ظاهری است.

فهرست منابع

۱. کتاب مقدس، ترجمه تفسیری عهد قدیم و جدید، ویراست ۲۰۲۲
۲. آرتور، جان مک (۲۰۰۵ م)، تفسیر عهد عتیق: تفسیر آیه به آیه کلام خدا، ترجمه: گریس تویو، بی جا: بی نا.
۳. _____ (۲۰۰۵ م)، تفسیر عهد جدید: تفسیر آیه به آیه کلام خدا، ترجمه: گریس تویو، بی جا: بی نا.
۴. بوجاری، سهیلا (۱۳۹۲ ش)، بررسی تطبیقی نظام خانواده در اسلام و یهود، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۵. طهرانی، سید محمد حسین حسینی (۱۴۲۵ ق)، رساله نکاحیه؛ کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، تهران: انتشارات حکمت، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام.

English

1. Meade. Roberta Jean (1998). The Status and Role of Motherhood in ancient Israelite Narratives. University of Alberta.





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني